



نوجوانان، پرچم داران کوچک

پسران نوجوان در قسمت مردانه نمازخانه دور هم نشسته اند و ضمن انجام کارهای آماده سازی پرچم، به شیطنت و بازیگوشی که اقتضای سنشان است، مشغول اند. گاهی هم بین کار، استراحتی به خود می دهند و در محوطه بزرگ حیاط مسجد پاه تپ می شوند. محمدرضا، بهراد، ایمان، ابوالفضل، محمدحسین، محمدطاها و ابوالفضل، بچه محل های سیدرضی این شب های پای کارپوش دوخت پرچم هستند. بعضی از آن ها از شب اول شروع دوخت پرچم حاضر بوده اند و عده ای در دومین مرحله پای کارآمده اند. ابوالفضل حسینی با چشمانی پر از غرور می گوید: هیچ وقت این همه پرچم رایک جاندیده بودم. کمک های ما برای برنامه های مناسبتی مثل ماه رمضان، ماه محرم، اعیاد و... در حد نصب پرده های سیاه و پرچم و تمیز کردن مسجد بود. این اولین بار است که در تولید پرچم همه ما هم کمک می کنیم. این شب و روزها در نگاه او این پارچه سه رنگ سبز و سفید و سرخ، نشان پرچم کشورش نیست؛ نشان افتخار و عزت ایران است و هرچه تعداد پرچم هایی که در آسمان برافراشته شود، بیشتر باشد، حس اقتدار و بیشتری به او دست می دهد.

ارمغان جنگ تحمیلی سوم: اتحاد و همبستگی بیشتر مردمی

معاون قرارگاه ولی امر مجتمع فرهنگی مسجد امام رضا (ع)، استقبال پرشور اهالی محله برای حضور در اجتماعات را انگیزه اقدام به دوخت پرچم می داند. علیرضا آجری با اشاره به درخواست اهالی برای داشتن پرچم، می گوید: با توجه به درخواست های مکرر تصمیم گرفتیم کارگاه تولید پرچم در مسجد را با شعار «هر هم محله ای، یک پرچم» راه اندازی کنیم. سفارش پارچه داده شد و به دنبال آن، از بانوان برای کمک در دوخت، دعوت و فراخوانی منتشر کردیم. همان شب اول، تعدادی از بانوان محله، چرخ های خیاطی شان را به مسجد آوردند و کار شروع شد.

بیش از ۲ هزار بیرق، آمار پرچم های دوخته شده و توزیع شده بین مردم و تشکل های مذهبی تاکنون است که به گفته آجری در دو نوبت با راه اندازی کارگاه خیاطی، دوخته و عرضه شده است.

دل نمی آید پرچم زمین گذاشته شود

بخش سخت تهیه این گزارش، تمایل نداشتن بانوان فعال برای گفت و گو و گرفتن عکس است. یکی از آن ها بانوی جوانی است که گوشه ای نشسته است و نخ اضافه پرچم های دوخته شده را بانوک قیچی کوچکی می گیرد. او با این شرط که نامی از او نبریم و عکسی گرفته نشود، حاضر به گفت و گو می شود. درباره داستان حضورش در این جمع می گوید: یک شب در اجتماعات چهارراه آزاد شهر در خود رو پشت چراغ قرمز منتظر بودم که یکی پرچمی به دستم داد. حال خوبی که آن لحظه بان پرچم در وجودم حس کردم. سبب شد شب های بعد در آن اجتماع حاضر شوم. دوست نداشتم پرچمی که از سر مهر به من داده شده و برایم عزیز است، زمین گذاشته شود.

او که همسایه مسجد است، ادامه می دهد: وقتی در کانال مسجد محله، خبر دوخت پرچم را دیدم، خیلی خوشحال شدم. تصمیم گرفتم در این کار خیر شرکت کنم و سهمی در دفاع از این آب و خاک داشته باشم.

شور امید و زندگی اینجا جریان دارد

هرکسی به نیتی، در این حرکت جهادی شرکت کرده است؛ از بانویی که همسرش در میدان نبرد با دشمن متجاوز است و او برای کاهش استرس اخبار جنگ هر غروب به اینجا می آید تا دختر جوانی که خواسته طعم کمک به جبهه های دهه ۶۰ و همدلی و صمیمیت آن دورهمی ها را تجربه کند. زهرا عطایی، یکی دیگر از بانوان محله، به طور اتفاقی، نوشته روی در مسجد و دعوت از بانوان برای دوخت پرچم را می بیند و می آید. زهرا خانم معلم است. او روزها با دانش آموزانش از ایران می گوید و شب های پای چرخ خیاطی می نشیند؛ چرخ خیاطی ای که جهیزیه اوست و بیست سالی از عمرش می گذرد.

زهرا خانم در حالی که لبخندی به لب دارد، می گوید: این چرخ بیشتر عمرش خاک خورد، اما این شب ها انگار دوباره جان گرفته است. هر دوختی که می زنم، می گویم پول این چرخ حلال شد. خانم معلم محله سیدرضی حضور مردم و پرچمی را که در دستانشان است، قوت قلب مردان میدان نبرد می داند.



خستگی، معنای ندارد

هرچه به اذان مغرب نزدیک می شویم، تعداد بانوان بیشتر می شود. زهرا و الهام رضازاده دو خواهری هستند که از محلات دیگر می آیند. آن ها از طریق مسجد از دوخت پرچم خبردار شده اند. زهرا خانم که ۳۲ سال دارد، می گوید: ما همراهی مردم در دوران هشت سال دفاع مقدس را به درستی درک نکرده بودیم و وقتی روایت کمک های مردمی پشت جبهه را در تلویزیون می دیدیم، آن صمیمیت و همدلی بین مردم را به حساب داستان فیلم ها می گذاشتیم اما در این چند شبانه روز، همدلی، ایثار و اخلاص را بین خواهران و برادرانی که اینجا بودند، به چشم دیدیم و با تمام وجود لمس کردیم.

الهام، خواهر کوچک تر، دنباله صحبت های زهرا خانم را می گیرد و می گوید: این شب ها برای هیچ کس خستگی معنا ندارد. همه، زن و مرد، اینجا صد خود را گذاشته اند تا کار هر چه زودتر به سرانجام برسد.

خواهر بزرگ تر همان طور که پارچه را زیر سوزن چرخ تنظیم می کند، می گوید: هر زمان نیاز به کمک بوده است، چه مراسم مناسبتی محرم، چه ماه رمضان و اعیاد، سعی کرده ایم در مسجد حاضر باشیم، اما هیچ وقت نشستن پای چرخ و دوخت پرچم مقدس کشورمان را تجربه نکرده بودیم. چه برسد به واقعیت، و این افتخاری برای ما است.